

جوانی پر رنج ... پژوهشی درباره‌ی مسائل جوانان ایران

(۹)

۳ - مسئله‌ی مطالعه

سومین مسئله از مسائل جوانان ایران را که ما در فهرست مسائل خود یاد کرده‌ایم ، مسئله‌ی مطالعه با اگر سائر بگوئیم مسئله‌ی «عدم اعتیاد به مطالعه» میتوان نامید . جوانان تحصیل کرده‌ی ما ، بدون رودربایستی باستانی شماره‌ی خیلی ، عموماً اهل مطالعه نیستند .

دکتر عیسی صدیق ، در کتاب «یادگار عمر» خود ، هنگامیکه از فرایند تحصیل خویش در فرانسه یاد آور میشود ، از جمله می‌نویسد - :

«... عادت دیگری که «آلبرتیری»^۱ (استاد زبان و ادبیات فرانسه) در من ایجاد کرد «عادت مطالعه» بود . در ایران هیچگاه مرا بخواندن کتاب خارج از درس ، راهنمایی نکرده بودند ، و تنها کتب درسی بسیار معدود آن زمان را میخواندم ، و در بسیاری از موارد ... بنوشتن جزوه قناعت میشد ، دوسه ماه پس از ورود بدانشسرا همین که زبانم باز شد ... برانمائی استاد مذکور کتبی از ادبیات معاصر ... به تائی قرائت کردم . اگرچه در آغاز به مشکلاتی برمیخوردم ، ولی در اثر توضیحات و تشویقات او ، دشواریها بتدریج برطرف شد . تارفته رفته بر زبان مسلط شدم ، و از خواندن ... لذت بردم و «عشق به مطالعه» در من بوجود آمد ... و مکرر مورد تشویق البرتیری و رئیس دانشسرا و بازرسی حوزه فرهنگی واقع شدم ، و همین تشویقها ، عشق مرا بمطالعه شدیدتر کرد . بطوریکه اکنون هر روزی که مطالعه نکنم ، ناراحت می‌شوم ، و آن روز را گم شده محسوب می‌دارم ... ۲۰»

اگرچه آنچه را که استاد صدیق نگاشته است ، مربوط به سال ۱۹۱۳ میلادی یعنی مربوط به ۵۰ سال پیش است ، لیکن متأسفانه ، با وجود

مرگ = Albert Thierry 1915 - 1

۲ - دکتر عیسی صدیق ، یادگار عمر ، تهران ۱۳۳۸ ، ص ۶۹ .

تغییرات مطلوب و شگرف در وضع تحصیلی جوانان ایرانی، مسئله‌ی عدم اعتماد آنان به مطالعه‌ی آزاد، همچنان بشدت خود پابرجاست.

در یکی از جلسات «انجمن کتاب» در تیرماه ۱۳۴۰ وضع انتشار کتاب در ایران - علل کمی، بدی، پائین بودن تیراژ و عدم تنوع کافی در موضوع کتابها - مورد بحث قرار گرفته است. هنگام بررسی در علل پائین بودن تیراژ کتاب، تقریباً اکثریت افراد، باز سیزده تن فرد صاحب نظر حاضر، عموماً پس از «بیسوادی»، «کمی رواج مطالعه» را در میان طبقات باسواد کشور، مهمترین علت تلقی کرده‌اند.

یک اشکال خاص مسئله‌ی عدم اعتماد و عشق به مطالعه اینست که برخلاف مسئله‌ی تحصیل و کار، جوانان خود کمتر آنرا بعنوان یکی از مسائل مهم خویش احساس می‌کنند. مسائل جوانان را اگر بدودستی «طلبکاریها» و «بدهکاریها» تقسیم کنیم، عدم اعتماد به مطالعه بیشتر از زمره‌ی بدهکاریهای آنان محسوب می‌شود. و جوانان متأسفانه معمولاً خود کمتر متذکر بدهکاری‌های خویش‌شانند.

علاوه بر «بیسوادی» که میتوان آنرا دشمن شماره یک پرورش «نیروی انسانی» در ایران دانست، مطالعه و پرورش تخصصی عدم رغبت و اعتماد به مطالعه‌ی مرتب کتاب و مجلات علمی و وزین نیز در میان جوانان تحصیل کرده، مانع بزرگی در راه پرورش تخصصی بشمار می‌رود. «فهرست مجلات علمی جهان 2» در سال ۱۹۵۲، بیش از پنجاه هزار مجله را نام می‌برد. پروفیسور «به‌وه ریچ» در کتاب گرانهای خویش - «هنر پژوهش علمی» - در این باره می‌نویسد:

«... محاسبه‌ی ساده‌ای نشان می‌دهد که محتوی این مقدار مجله، احياناً برابر با دو میلیون مقاله در سال، یا چهل هزار مقاله در هفته است...»³

بدیهی است این مقالات علمی، در رشته‌های مختلف نگاشته شده‌اند، و بهیچ وجه نمیتوان انتظار داشت که تمام آنها را شخص دانشمندی بخواند. لیکن همین محاسبه نشان میدهد که خوشبختانه علوم و فنون با چه سرعتی رو به پیشرفتند، و چگونه یک فرد تحصیل کرده، ناگزیر است، برای آنکه اطلاعاتش کهنه و فرسوده نشود، پیوسته خود را با مطالعه در مسیر حرکت علمی و تخصصی خود نگاهدارد.

۱- مجله‌ی راهنمای کتاب، ش ۷، ۱۳۴۰، ص ۸۴-۵۷۷ و ۹۰-۶۸۵

2 - World List of Scientific Periodicals, 1952

3 - Beveridge, W. : The Art of Scientific Investigation, Mercury Books, London, 1961, P.5

در « سوئیس » - ملتی در حدود $\frac{1}{6}$ ملت ما -

مطالعه در کشور های مترقی

سالیانه تنها در حدود پنج هزار کتاب جدید، منتشر می شود . در سال ۱۹۵۸ از مجموع ۴۵۴۹ کتاب که در سوئیس انتشار یافته است ، ۳۱۸۲ کتاب بزبان آلمانی ، ۹۲۹ کتاب به فرانسه ، ۹۱ کتاب به ایتالیائی ، و ۳۴۷ کتاب بزبان های دیگر بوده است ۱ . ضمناً باید دانست که مردم سوئیس ، بر اثر آشنائی و تکلم بزبانهای آلمانی ، فرانسه ، ایتالیائی و انگلیسی و پاره ای زبانهای دیگر ، بخوبی قادرند از کتابهای دیگری که باین زبانها انتشار می یابد ، مستقیماً بهره مند شوند ، و نیاز شدیدی ، مانند ما ، به ترجمه ندارند . در صورتیکه ما متأسفانه ناگزیریم ، عموماً آثار خارجی را بزبان خود ترجمه کنیم ۲ .

ترجمه یا اصل ؟
در مورد اینکه آیا بهتر است ، کتابهای علمی را ما بزبان فارسی ترجمه کنیم ، و یا آنکه با تحصیل زبانهای خارجی بطور مستقیم ، به اصل منابع رجوع نمائیم ، توضیحی ضروری بنظر میرسد . البته تردیدی نیست که ما پیوسته باید در انتشار و ترجمه ی کتاب های مناسب بزبان فارسی بکوشیم ، و نوباوگان خود را نیز بمطالعه در زبان مادری ترغیب نمائیم . لیکن با توجه به وضع انتشار کتاب و مجلات علمی در جهان ، به یقین ، اگر ما در تحصیل یک زبان خارجی زنده و مترقی همت نگماریم ، همواره نسبت به قافله ی پیشرفتهای علمی جهان عقب خواهیم ماند . علم نه شرقی است و نه غربی . و فرا گرفتن زبان های خارجی نیز هیچگاه مخالف شاعر و شئون ملی بشمار نمی رود . بلکه همچنان که روشن بینان جهان اسلامی گفته اند :-

۱- تحصیل هر زبان ، در حقیقت تحصیل شخصیت های تازه ای است ۳-
ذکر این نکته از آنرو لازم است که متأسفانه گروهی ، تحصیل زبان خارجی را مخالف نگاهداشت و پرورش فرهنگ ملی مایی پندارند . و شکفتن انگیز تر اینکه بسیاری از افراد این دسته از « ناسیونالیست های منفی » ما ، خود از زمره ی تحصیل کرده ترین طبقات کشور بشمار می روند . و آنچه را که خود در طریق علم و ادب کسب کرده اند ، قسمت اعظم آنرا مرهون اطلاع خویش بر یکی دو زبان خارجی هستند . چند سال پیش « دکتر عیسی صدیق » هنگام تصدی وزارت فرهنگ ، طبق بخشنامه ای تسدیس زبان

1 - Das Shoenste, Nr. 6. Muenchen, 1960, S. 31

۲- طبق نشریه ای که یونسکو در سال ۱۹۵۴ درباره ی نشر و تیراژ کتاب در دنیا منتشر ساخته است ، در صورت سنجش میزان نشر کتاب کشورها با جمعیت آنها ، هلند رتبه ی اول و سوئیس رتبه ی دوم را در جهان حائز است .

۳- این بیان ، مضمون این بیت « الحلی » است که میگوید :-
و سارع بحفظ اللغات مزارعاً و کل لسان بالحققة انسان

خارجی را در مدارس ابتدائی ممنوع ساخت . و حال آنکه نوباوگان بسیاری از کشورهای اروپائی بویژه مرزنشینان آنها ، از کودکی دوسه زبان را بخوبی میآموزند ، بدون آنکه لطمه‌ای به رشد بدنی و روانی آنها ، و یا آسیمی بزبان مادری آنان وارد شود . و نیز غالب از فرزندان آذربایجانی ماهنگامی که پا بدستان می گذارند ، حتی يك جمله هم فارسی نمی دانند . و زبان فارسی برای آنان در حکم زبان دوم ، زبانی غیر زبان مادری را دارد . و آنرا باید مانند زبان خارجه بیاموزند . همچنین در جلسه‌ی «انجمن کتاب» هنگام بررسی در علال پائین بودن تیراژ کتاب در ایران ، آقای «دکتر شادمان» شکایت می کنند که - :

« ... ما در مملکت خودمان ، بچه‌ها را در مدارس از خواندن

کتابهای فارسی دورنگاه می داریم ، و بیشتر در فکر آموختن زبان

های خارجی به آنها هستیم »^۱

و آقای «عبدالرحمن فرامرزی» نیز در همان جلسه ، تحت تأثیر

سخنان بالا ، تأیید می کنند که - :

«آقای دکتر شادمان اشاره کردند که ما ایرانیها، عادت کرده ایم

که همه چیز خودمان را پست بدانیم و بزبان خودمان علاقه‌ای نشان

ندهیم . اصلا با سوادهای ما همه اینکار را می کردند . چه آنوقتی که

زبان عربی رواج داشته و چه حالا که زبان انگلیسی رواج دارد .

با سوادهای ما قسمت اعظم کارشان بزبان خارجی است . فرنگی ما بها

سواد را در زبان فرنگی می دانند . در صورتیکه در زبان فارسی هم

می توان علوم و تاریخ نوشت . می گویند زبان فارسی زبان شعر است .

برای اینکه شعر ما بسیار بلند پایه است . ولی کتاب هایمان بی پایه

مئل دیگر نیست . باید کار کنیم که بی پایه‌ی آنها برسیم »^۲.

متأسفانه کسانی که بنام عشق به فرهنگ ملی و زبان فارسی ، همواره

سنگ راه تحصیل زبان های خارجی شده و می شوند ، و آن را فرنگی مآبی و

بیگانه پرستی می شمردند هیچگاه از دیدگاه فرهنگ جهانی و لزوم تجلی

شخصیت انسانی به مسئله‌ی روی کرد ایرانیان به زبانهای جهانی عصر خود -

۱ - مجله‌ی راهنمای کتاب ، ش ۷ ، مهر ۱۳۴۰ ، ص ۶۸۸

اظهار نظر آقای دکتر شادمان شگفت بنظر می رسد . و شواهدی بسیار معدود

را هم نمی توان ، جز در مدارس شبانه روزی خارجی در ایران ، برای آن یافت .

آنچه که در مدارس ما بخصوص کمتر مورد توجه است زبان خارجی است . سالها

وقت شاگردان ما در مدارس تلف می شود ، بدون آنکه زبان خارجی فراگیرند .

و عموماً اشکال دانشجویان ما در خارج از کشور نیز همین است .

۲ - همان مجله ، ص ۶۸۹-۹۰

مانند عربی در گذشته و انگلیسی در امروز - ننگ ریسته اند . والا بگفته‌ی شاعر:
 « رو بهند آوردن ایرانیان بی وجه نیست » . تحصیل زبانهای خارجی در
 امروز، برای ما بهیچ وجه جنبه‌ی بیگانه‌پرستی، عدم توجه به فرهنگ ملی
 و یا خودنمایی و تجمل را ندارد . بلکه درست از نظر مدنی و اقتصادی برای
 مایک امر حیاتی بشمار می‌رود . و نظیر عمل پیوند در پرورش و حفظ و بهبود
 گیاهان است .

در بالا ما از تعداد مجلات علمی جهان - پنجاه هزار در سال -
 یاد کردیم که متأسفانه حتی برای نمونه سه چهار شماره‌ی آن نیز بزبان فارسی
 منتشر نمی‌شود . در آغاز همان جلسه‌ای که آقای دکتر شادمان، و آقای فرامرزی،
 از توجه بزبان خارجی در مدارس ما - که چگونگی آن خود مورد بحث است -
 شکوه می‌کنند، دکتر «عبد الرحیم احمدی» ، باستناد نشریه‌ی سال ۱۹۵۴
 یونسکو درباره‌ی نشر کتاب در جهان، خاطر نشان ساخته است که :-

« در دنیا بیش از دوهزار و پانصد زبان (۲۵۰۰) وجود دارد
 و از این میان نود درصد (۹۰٪) کتابهایی که در سال، در دنیا منتشر
 می‌شود به ۶ زبان تعلق دارد - : انگلیسی، آلمانی، روسی، ایتالیایی
 فرانسه، اسپانیایی ! در دنیا سالی قریب به ۵ میلیارد کتاب منتشر
 می‌شود و ده کشور قریب سه چهارم ($\frac{۳}{۴}$) نشر کتاب دنیا را در اختیار
 دارند : امریکا، انگلستان، ژاپن، شوروی، هلند، فرانسه، جمهوری
 فدرال آلمان، جمهوری توده‌ای چین، ایتالیا، هندوستان !
 در این محاسبه درست دقت شود ! «نود درصد» (۹۰٪) از کتابهای
 جهان، به «شش زبان» بزرگ جهانی، و ۷۵٪ آنها در «ده کشور»
 دنیا منتشر می‌شود . در سلسله‌ی این محاسبات، «ایران» و «زبان فارسی»
 در کجا قرار گرفته است ؟! بر مبنای آمار نشر کتاب یونسکو در جهان، در میان
 ۴۲ کشور فهرست شده، ایران در ردیف «چهل و یکمین» قرار دارد . بنا به
 محاسبه‌ی آقای دکتر احمدی :-

« ... تیراژ جمع کتابهای انتشار یافته در سال ۱۳۳۴ با احتیاط

و تقریب بسیار، در حدود یک میلیون و ششصد هزار (۱۶۰۰۰۰۰)

بوده است . (غیر از کتب درسی) ۲»

با حداکثر، گشاده‌دستی اگر تیراژ کتاب را سالانه در ایران دو میلیون

فرض کنیم، تازه در برابر عدد «۵ میلیارد» انتشار جهانی، بارقم بسیار

ناچیزی رو برو هستیم ۱.

با این ترتیب ملاحظه می‌شود که اگر روزی افراد تحصیل کرده‌ی ما، واقماً - نه از روی تفنن و خودنمایی - به تحصیل يك زبان زنده‌ی جهانی روی آورند، آن هنگام است که ملت ما در طریق تجلی شخصیت خویش گامی استوار برداشته است، و در رهائی از قید خود برتر بینی‌های کودک منشانه، برای نیل به يك فرهنگ عظیم جهانی و انسانی توفیق یافته است. در غیر این صورت، بنا بر فرض محال، اگر تمام افراد ملت ما نیز کارشان تنها ترجمه و تألیف شود، هرگز تصویری رود که ما بتوانیم حتی نیمی از فرهنگ جهانی را بزبان مادری خویش واگردان کنیم.

این حقیقت تلخ را ما باید متأسفانه به‌پذیریم که: ما ملتی کوچکیم؛ فرهنگ، بهداشت و اقتصادی عقب‌مانده داریم؛ و درجه‌انهای فرهنگ بشری نیز، سوگمندانه، در ردیف کم‌رشدترین و واپس مانده‌ترین ملت‌ها قرار گرفته‌ایم. رجز‌خوانی‌های خود برتر بینیانه و خودستایی‌های مغرورانه سودی ندارد، بلکه با فزونی و نقص پذیری به جبران نارسائی‌ها باید پرداخت. در گذشته نیز که زبان عربی، زبان علمی بخش بزرگی از جهان روزگار خود بشمار می‌رفته است، هوشمندترین فرزندان رشید و دوراندیش ایران، پرهیز جویانه از هر گونه پیش‌دوری‌های فلج‌کننده و تعصب و رزی‌های جاهلانه، بیاری زبان عربی، به فرهنگ جهانی پیوسته‌اند، و آنرا وسیله‌ی تجلی شخصیت قومی خویش، و زنده‌داشت پرافتخار و پیش‌برد تمدن و دانش بشری قرار داده‌اند.

مقدار مطالعه در ایران در سال قبل آماري که ازمیان نزدیک به ۳۸۵ دانشجو در دانشگاه تهران، در اواخر اسفند ماه گرفتیم، نشان داد که تنها هفت دانشجو، در طی سال تحصیلی پس از مهرماه، یعنی در مدت ۶ ماه - غیر از روزنامه‌های یومیه - مطالعاتی خارجی و آزاد، افزون بر کتاب‌ها و جزوه‌های درسی خود داشته‌اند. این رقم که بنا بر آن کمتر از ۲ درصد از دانشجویان ما، دارای مطالعه‌ی آزاد بوده‌اند، با توجه بلزوم مطالعه، برای پیشرفت علمی و تخصصی، براستی وحشت آور است. با توجه به آمارهای موجود، در زمان حاضر، از بیست و یک میلیون جمعیت

۱ - صرف نظر از کتابهای درسی، بدشواری می‌توان تیراژ هر کتاب را بطور متوسط در ایران بیش از دو هزار نسخه دانست. بدین ترتیب با توجه به معدل سالیانه‌ی نشر کتاب در ایران یعنی ۶۷۵ کتاب، می‌توان فرض کرد که بالغ بر يك ملیون و سیصد و پنجاه هزار (۱۳۵۰۰۰۰) نسخه کتاب در ایران سالیانه منتشر می‌شود. اعداد يك ملیون و ششصد هزار و دو ملیون نسخه شاید با کتاب‌های درسی درست باشد.

ایران ، بین سهونیم تا چهار (۳/۵-۴) میلیون نفر باسوادند . یعنی تقریباً معادل تمام جمعیت کشور سویس !
 از سال ۱۳۳۳ بدین طرف ، فهرست نسبه کاملی از کتابهایی که سالیانه در ایران انتشار می یابد در دست است . بنا بر این فهرست ها اینک در طی نه سال اخیر ، سالیانه بطور متوسط در حدود شصدهفتاد و پنج (۶۷۵) کتاب درمیهن ما منتشر میشود . یعنی تقریباً برای «هر صد هزار نفر باسواد

کتابهای ایران در سال های ۴۱-۱۳۳۳

سال انتشار	کتاب های فهرست شده	۱۰٪ از قلم افتاده ی احتمالی	مجموع کتاب های هر سال
۱۳۳۳	۳۹۳	۴۰	۴۲۳
۱۳۳۴	۷۹۶	۸۰	۸۷۶
۱۳۳۵	۵۶۷	۵۷	۶۲۴
۱۳۳۶	۶۹۷	۷۰	۷۶۷
۱۳۳۷	۶۸۱	۶۸	۷۴۹
۱۳۳۸	۴۸۵	۴۹	۵۳۴
۱۳۳۹	۵۶۸	۵۷	۶۲۵
۱۳۴۰	۶۳۸	۶۴	۷۰۲
۱۳۴۱	۶۹۳	۷۰	۷۶۳
جمع کل	۵۵۱۸	۵۵۵	۶۰۷۳
معدل سالیانه	۶۷۴/۷	کتاب در سال	

۱- فهرست کتابهای ایران با عنوان «کتابهای ایران» هر سال تحت نظر وبه همت آقای دکتر ایرج افشار انتشار می یابد . این فهرست ها تا سال ۱۳۳۷ بدون شماره ی ردیف برای کتابها چاپ شده است . از سال ۱۳۳۸ کتابها با شماره ی ردیف ، و اینک نخست در «مجله ی راهنمای کتاب» و سپس بطور مستقل انتشار می یابد . آقای دکتر افشار نیز احتمال داده اند که شاید در حدود ده درصد از کتابهای سالیانه بنظر ایشان نرسیده و در فهرست ها از قلم افتاده باشد . ما این ده درصد را در محاسبه ی جدول خود منظور داشته ایم .

شماره ی کتابهای سال ۱۳۳۳ را آقای دکتر احمدی ۵۴۵ عدد ذکر کرده اند که با افزایش ده درصد احتمالی از قلم افتاده هنوز تعداد ۱۱۲ کتاب بیش از کتابهایی است که در فهرست آقای ایرج افشار آمده است . با توجه باینکه از سال بقیه در حاشیه صفحه بعد

ایرانی» ، هفده کتاب (۱۷) چاپ می شود . در صورتیکه در سوئیس ، چنانکه قبلاً یاد آور شدیم ، سالیانه پنج هزار کتاب ، یعنی تقریباً در برابر «هر صد هزار نفر با سواد سوئیسی» هر سال بالغ بر صد و بیست و پنج (۱۲۵) کتاب انتشار مییابد . بعبارت دیگر تحصیل کرده های ما ، بطور متوسط بالغ بر هفت برابر کمتر از تحصیل کرده های کشورهای متری ، به مطالعه می پردازند .

عدم مطالعه ، و شیوع انحرافات عدم اعتیاد به مطالعه ، ضمناً در اثر فقدان وسائل و تنوع کافی برای تفریح های سالم ، کامجوییهای زیانمند بدلی جوانان ما را تشدید کرده است . به احتمال قوی اگر جوانان تحصیل کرده ی ما به مطالعه عادت داشتند ، از هجوم بیماری آسا ، به بسیاری از سرگرمی های زیانمند ، مانند قمار ، مشروب و غیر آن بمقدار نسبتاً زیادی پیشگیری و یادست کم کاسته می شد . ایجاد رغبت به مطالعه در میان جوانان ، علاوه بر کمک به پرورش دماغی و تخصصی آنان ، ضمناً از جمله مهمترین تدابیر گامداشت سلامت روحی و جسمی آنان بشمار میرود ، مطالعه از رنج جانکاه لحظات تنهایی ، به شیوه ای معجزه آسا ، میگذرد .

هنگام بحث در باره ی مسئله ی مطالعه یا عدم مطالعه ، ما غالباً از عدم «اعتیاد» به مطالعه سخن گفته ایم . تکیه ی ما روی واژه ی «اعتیاد» تصادفی نیست . مطالعه نیازمند به «اعتیاد» است . هنگامی که کسی معناد به مطالعه شد ، دیگر بدون هیچگونه زحمتی ، خود پیوسته دنبال آنرا میگیرد ، و وقت و بیهوشی وقت ، مانند یک فرد معتاد ، از پی فرصت میگذرد ، تا بوسال محبوب خود برسد . از اینرو بر نامه های ارشادی و اصلاحی جوانان بویژه باید بکوشد ، تا این عادت پسندیده را حتی المقدور ملکه و خوی ثانوی جوانان سازد ،

مطالعه : کودزبان
و شخصیت

در کشورهای متری که کشاورزی بصورت صنعت پیشرفته ی ماشینی و شیمیائی و بهره برداری فنی از زمین در آمده است ، بیش از هر وقت اهمیت

۱۳۳۳ معمولاً مأخذ محاسبه ، فهرست های آقای افشار است ، جای تردید است که رقم مذکور بوسیله ی آقای دکتر احمدی اشتباه در چاپ نباشد . ارقام سال های بعد دارای اختلاف بسیار ناچیزی است . آقای دکتر احمدی با تحمل مشقت بسیار ، آماری از نشر کتاب در ایران در طی ۲۲ سال ، از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۳۸ تهیه کرده اند که قسمت قبل از سال ۱۳۳۲ آن بی سابقه است . در سال ۱۳۱۶ ، بنا بر آمار آقای دکتر احمدی ۲۳۳ کتاب منتشر شده است . و مرتباً انتشار کتاب چند سالی تنزل یافته تا دوباره در سال ۱۳۲۶ به در حدود تصاب سال ۱۳۱۶ یعنی به ۲۵۰ کتاب رسیده است . در این باره رگ ، مجله ی راهنمای کتاب ، ش ۷ مهرماه ۱۳۴۰ ص ۵۷۸

«کود» در بالا برد سطح کیفیت و کمیت تولید آشکار شده است. بوسیله کود - اعم از طبیعی یا شیمیایی - قدرت تولید زمین را میتوان به چندین برابر افزایش داد. توسعه و رشد و تکامل «زبان» نیز به چیزی نظیر «کود» در کشاورزی نیازمند است. «مطالعه» در حقیقت «کودزبان و شخصیت» بشمار میرود.

اهمیت مطالعه، کم و بیش، در مورد تکمیل و تمرین «زبانهای خارجی» پیوسته خاطر نشان شده است. لیکن لزوم و عمق اهمیت آن برای پیشرفت و تقویت «زبان مادری»، چنانکه باید هنوز ملمس و تأکید نگشته است. امروزه بسیاری کسانی که از فقر اصطلاحات و تعبیرات علمی و فنی در زبان فارسی شکایت می کنند، تنها بخاطر آنکه کتاب های مربوط را بفارسی نخوانده اند. چند سال پیش يك دانشجوی ایرانی که پس از اخذ دیپلم طبیعی، به آلمان رفته بود، و مشغول تحصیل پزشکی شده بود، از آنجا که دوسه ساعتی نیز در هفته درس روانشناسی داشت. بانویسنده به مشورت پرداخت. از جمله این دانشجو شاکی بود که: «متأسفانه در زبان فارسی هیچگونه معادلی برای اصطلاحات روانشناسی نداریم». از وی مثالی چند برای شاهد خواستم. اصطلاحات بسیار متداولی را نام برد که ما سالهاست، آنها را در فارسی بکار میبریم، و وی از آنجا که هیچگونه کنفایی در باره ی روانشناسی بفارسی تا آن زمان نخوانده بوده است، آنها را نمی شناخت، و وجهل خود را بر آن اصطلاحات، به حساب نقص زبان فارسی میگذارد. از جمله ی این اصطلاحات یکی «تداعی معانی»، دیگری «عاطفه» و سومی «وجدان نا آگاه بود» بود!

«زبان مکالمه» عموماً محدودتر از «زبان نوشته» است. از اینرو کسانی که مایل اند، بدقیق زبان مادری آشنا تر، و هنگام بکار بردن اصطلاحات و تعبیرات و بیان ظریف عقاید و اندیشه های خود توانا تر باشند، ناچار باید تنها بمکالمه اکتفا نکرده، با مطالعه ی آثار و نوشته های متنوع به قدرت تعبیر و مهارت بیان خود بیفزایند. ما اگر امروز از کم داشت نویسندگان و مترجمان توانا شکایت میکنیم، از جمله نیز یکی بدان جهت است که عادت و سنت مطالعه در ایران دارای رواج کافی نیست. تحصیل کرده های ما عموماً در اثر کمی مطالعه، بر زبان مادری خود تسلطی برابر با یک تحصیل کرده ی آلمانی، یا انگلیسی و فرانسوی بر زبانهای خود ندارند. زبان ما، بحد کافی در دهانها و مغزهای مختلف - صرف نظر از موارد مربوط به حواصیح روزانه، و افرادی معدود - رشد نکرده است. این رشد را بوسیله «کود مطالعه» باید تسریع و تأمین کرد.

(ناتمام)